

## Editorial: Globalisation will only mean progress if it is responsible

### سرمقاله: جهانی شدن، تنها اگر مسئولانه باشد به معنی پیشرفت است<sup>۱</sup>

ترجمه:

«جهان کشور من است». این عبارت معروفِ توماس پین، بیان‌گر ایده‌ی یک فصل مشترک است که همه‌ی انسان‌ها را به هم پیوند داده و فاصله، مرز و ملیت‌ها را در می‌نوردد. نخست انقلاب صنعتی و بعد جهانی شدن، به این ایده نیروی محرکِ جدیدی داد. امروز، ما بیش از هر زمان دیگری به خاطر سفرها، وسایل ارتباطی، و مبادلات تجاری‌مان به همدیگر متصل شده‌ایم. بخش خصوصی در این توسعه نقش بزرگی داشته است. فعالیت‌های تجاری شرکت‌های ملی و چند ملیتی ما شبکه‌ی پیچیده‌ای از وابستگی‌های متقابل را ساخته است.

جهانی شدن، زمانی که منفعت مشترکی از مزیت‌های مربوطه‌ی خودمان نصیب ما شود، برای بهتر شدن است ولی زمانی که نه یک مبادله بلکه بهره برداری و استثمار رخ می‌دهد، به سمت بدتر شدن است. دو وجهی بودن این پدیده در مناطقی از جهان که دچار جنگ و خشونت هستند به شدت احساس می‌شود. عوامل اقتصادی اغلب یا علل مستقیم خشونت هستند یا دست کم محتمل است که منجر به شعله ور شدن و تداوم خشونت شوند، مثل عطش ثروت که فاتحان دنیای جدید را به پیش برد. جنگ‌های بی شمار، با قوه‌ی محرک همراه شده با تملک اموال یا منابع، به دست آوردن کنترل بازارهای جدید و گسترش اقتصادی، به پیش رانده شده یا به طول انجامیده است. برای دهه‌های متعدد، آفریقا شاهد سهم خود از درگیری‌هایی بوده است که در میان سایر چیزها، در اختیار داشتن منابعی که خواسته‌ی گروه‌های بوده، هیزم آتش این اختلاف را تأمین کرده است. می‌توان به سیرالئون، لیبیا، جمهوری دموکراتیک کنگو و همسایه‌های آن، نیجریا و دیگر کشورها نیز اشاره کرد. آمریکای مرکزی و جنوبی هم سهم به سزای خود را از درگیری یا آشفتگی‌های اجتماعی ای دارند که به میل به دست آوردن دسترسی به منابع یا کنترل بر راه‌های صادرات پیوند خورده است. برای مثال کلمبیا، پرو و مکزیک به ذهن متبادر می‌شوند. در آسیا و به ویژه در افغانستان، در حال حاضر این هراس وجود دارد که آگاهی اخیر، از قابلیت گسترده‌ی معادن آن، موجب خواهد شد که افغانستان در رقابت‌ها، خشونت و فساد، وضعیت وخیم‌تری را به قیمت گذار صلح‌آمیز بعد از خروج نیروهای بین‌المللی تجربه کند. در نتیجه افغانستان نمونه‌ی جدیدی خواهد شد از آن‌چه که گاهی «نفرین منابع» خوانده می‌شود یا پارادوکسی که به وسیله‌ی آن کشورهای غنی در منابع، اغلب وضعیتی کمتر توسعه یافته نرخ رشدی پایین‌تر در مقایسه با کشورهای بی‌منابعی در اختیار ندارند، دارا هستند.

اگرچه در طول تاریخ، سهام‌های اقتصادی، درگیری‌ها را تغذیه کرده‌اند، ولی نقش شرکت‌های تجاری چند ملیتی بر روابط بین‌الملل و مسائل امنیتی هیچ‌گاه بیشتر از امروز نبوده است. بنابراین، در برخی حوزه‌های گرفتار در مخاصمات مسلحانه یا خشونت، مقامات دولتی به سختی می‌توانند کنترلی را اعمال کنند، در حالی که فعالان تجارت، نفوذ بیشتر

<sup>۱</sup> برگردان به فارسی: ظهی عبدالعلی زاده

و بیشتری به دست آورده و برخی کارکردهایی را که به طور سنتی بر دولت لازم است به عهده گرفته‌اند. در نتیجه، امر غیرمعمولی نیست که شرکت‌های خصوصی برای امنیت یک حوزه‌ی جغرافیایی به طور مستقیم، مسئول باشند یا نیروهای عمومی امنیتی را با کمترین دخالت دولت یا حتی با غیبت کامل ساختارهای دولتی، تجهیز و برای آن‌ها آموزش‌های تکمیلی را فراهم کنند.

امروزه، جنبه‌های اصلی رابطه‌ی بین فعالان تجارت و طرف‌های درگیرِ مخاصمه چیست؟ چه قوانینی وجود دارند تا فعالیت‌های آن‌ها را تنظیم کند؟ این شماره از مجله به تمام روابط بین جنگ و اقتصاد مانند تجارت اسلحه، اقتصادهای بازار سیاه و قاچاق، یا جنبه‌های اقتصادی کمک بشردوستانه توجه نمی‌کند. در عوض، مجله تصمیم گرفت تا حقوق و وظایف شرکت‌هایی را که در مناطق درگیرِ مخاصمات مسلحانه و سایر موقعیت‌های خشونت‌آمیز کار می‌کنند برجسته کند. با اختصاص دادن شماره‌ی گذشته به موضوع مقررات بین‌المللی شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی، اکنون مجله به آخرین پیشرفت‌ها در فعل و انفعالات متقابل تجارت و مخاصمه می‌پردازد.

چه شرکت‌های تجاری در یک کشور پیش از مخاصمه تشکیل شده و چه در منطقه‌ای در حال سرمایه‌گذاری کردن باشند که از قبل در بحران بوده است، آن‌ها از طریق خصلت و خاصیت فعالیت‌ها، اثرات، یا تنها با حضورشان خط سیر مخاصمه را تحت تأثیر قرار می‌دهند. همان‌طور که هوگو اسلیم در مقاله‌ی خود توضیح می‌دهد فعالان تجارت، نقش‌های متفاوتی بازی می‌کنند. (البته) تنها برخی از آن‌ها در این‌جا پوشش داده می‌شود.

نخست، بازیگران تجاری اغلب خود را قربانیان اعمال خشونت‌آمیز می‌دانند، همان‌طور که در حمله‌ی اخیر و گروگانگیری میدان گازی در آناس الجزایر مشاهده شد. آن‌ها خود را در معرض خطرات مستقیم مانند اعمال فشار، اخاذی، غارت، گروگان‌گیری و تهاجم قرار می‌دهند.

دوم، ممکن است بازیگران تجاری در خشونت مشارکت کنند، مستقیم یا غیرمستقیم، عمدی یا غیرعمدی. آن‌ها می‌توانند برای طرف‌های مخاصمه، نمایان‌گر یک منبع درآمد باشند یا حتی برای آن‌ها ابزار جنگ فراهم آورند. در شدیدترین موارد، این امکان وجود دارد که آن‌ها از جنگ، هرج و مرج و خشونت برای اعمال مجرمانه سوء استفاده کنند مانند شرکت‌های آلمانی که به طور مستقیم در اجرای سیاست‌های نازی مشارکت داشتند و یا در طول جنگ جهانی دوم در کمپ‌های نازی برده‌های کارگر را استثمار می‌کردند.

نهایتاً بازیگران تجاری می‌توانند از طریق همکاری در رهایی و پیشگیری یا کاهش خشونت نقشی مثبت بازی کنند. سرمایه‌گذارانی که علی‌رغم وجود خطر، عملیات تجاری خود را در مناطق مخاصمه ادامه می‌دهند، کارمندان خود را قادر به حفظ درآمد کرده و می‌توانند برای تضمین درجه‌ای از ثبات کمک کنند. هم چنین تاریخ مثال‌های متعددی از اقدام‌های بشردوستانه‌ی مستقیم به وسیله شرکت‌های تجاری و مدیران آن‌ها فراهم می‌کند. هانری دونان، کسی که در اصل پایه و اساس نهضت صلیب سرخ و هلال احمر است خود یک تاجر بود که در یک سفر تجاری، میان وحشت جنگ قرار گرفته بود. صنعت فیلم‌سازی (فهرست شیندلر) موجب محبوبیت و شهرت کاری شد که کارخانه‌دار آلمانی اسکار شیندلر کرد تا به کارکنان یهودی‌اش که در طول جنگ جهانی دوم تحت تعقیب بودند کمک کند و اقدامی که توسط پاول روسسباگینا صورت گرفت تا از نفوذش به عنوان مدیر هتل برای محافظت کردن از جان صدها نفر در طول نسل‌کشی در رواندا استفاده کرد (هتل رواندا).

اخیراً دولت و بخش خصوصی به طور مشترک استقرار مجدد مبارزهای حرفه‌ای را که پیش‌تر در مخاصمات ساحل عاج شرکت کرده بودند، تأمین مالی کرده‌اند که نمونه‌ی دیگری از مواردی است که بخش خصوصی می‌تواند کمک کند. همچنین در نهایت شرکت‌های خصوصی، اهداکنندگان اصلی کمک‌های بشردوستانه هستند.

### مسئولیت اجتماعی و مسئولیت حقوقی: مقررات در حال افزایش فعالیت‌های اقتصادی

برخلاف حقوق و تکالیف دولت‌ها، گروه‌های مسلح و افراد، حقوق و تکالیف شرکت‌های خصوصی و نمایندگان آن‌ها در مخاصمات مسلحانه هنوز مبهم باقی مانده و استانداردهای قابل اجرا در مورد آن‌ها از هم گسیخته و نامنسجم است. امروز، منابع مختلف حقوقی و اجتماعی و جنبش‌های تلافی‌کننده، کمک می‌کنند تا بخش خصوصی را در مورد مسئولیت‌هایش بیشتر آگاه کنند.

تکالیف الزام آور حقوق بین‌الملل:

پیش از توصیف شبکه در حال گسترشی از انگیزه‌های داوطلبانه که در پی تنظیم یک رفتار تجاری هستند که می‌تواند بر حقوق بشر تأثیر بگذارد، یادآوری اینکه در حال حاضر مجموعه‌ای از قوانین الزام‌آور مربوط به رفتار تجاری در بافت و فضاهای متغیر وجود دارد، می‌تواند مفید باشد.

در حقوق بین‌الملل بشر، دولت‌ها در پیشگیری و ایراد بر نقض‌های حقوق بشر مربوط به شرکت‌های بزرگ، نقش اصلی را بر عهده دارند. برای برآوردن تکلیف به حمایت، دولت‌ها باید قادر باشند که رفتارهای بازیگران درگیر در نقض را تنظیم و احقاق حق کنند. چنین بازیگرانی، شرکت‌های تجاری را نیز در بر می‌گیرد.

در زمان مخاصمات مسلحانه، رژیم حقوقی حاکم، حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. این رژیم قوانینی دارد که غیرنظامیان و اموال غیرنظامی را محافظت می‌کند که شامل کارمندان و اموال شرکت‌هایی که در مخاصمات مسلحانه در حال عملیات هستند می‌شود. هم‌چنین این رژیم بر دولت‌ها، اشخاص، و طرف‌های غیر دولتی مخاصمات، تکالیفی را بار می‌کند. حقوق بین‌الملل بشردوستانه دولت‌ها را موظف می‌کند (دولت‌هایی که دولت موطن، دولت سرزمینی یا دولت متعاقد هستند) که به حقوق بین‌الملل بشردوستانه احترام گذاشته و جایی که ضروری باشد از طریق قانون‌گذاری داخلی احترام به آن را تضمین کنند. کشورها به صراحت موظف شده‌اند که نقض‌های سنگین حقوق بین‌الملل بشردوستانه را در قانون‌گذاری داخلی خود جرم‌انگاری نمایند، همان‌گونه که باید تحقیق و تعقیب این جرائم را پیگیری کنند. در نتیجه اشخاص شامل مدیران و کارکنان شرکت‌های تجاری می‌توانند به طور انفرادی و مجرمانه برای نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه مسئول شناخته شوند.

علاوه بر این، حقوق بین‌الملل کیفری از زمان جنگ جهانی دوم به طور چشم‌گیری متحول شده است و امروز مدیران و کارکنان شرکت‌ها نه تنها برای نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه بلکه برای سایر جرائم بین‌المللی، تحت شبکه پیچیده‌ی انواع مسئولیت می‌توانند مسئول شناخته شوند.

در همین راستا، بسیاری از قانونگذارهای ملی، قوانینی را اتخاذ کرده‌اند که به آن‌ها اجازه می‌دهد تا جرائم بین‌المللی و فراملی را از طریق مسئولیت کیفری یا مدنی مخاطب قرار دهند. تعهد مدنی برای شرکت‌ها به طور ویژه، مسئولیتی است که در دهه‌های گذشته به کار گرفته شده است. علم به قوانین مرتبط حقوق داخلی، هم‌چنین حقوق بین‌الملل

بشر، حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل کیفری برای شرکت‌های تجاری محلی و بین‌المللی که در بافت و فضای متغیر فعالیت می‌کنند ضروری است.

### توسعه ابزارهای حقوق نرم:

از دهه ۱۹۹۰ و آگاهی فزاینده نسبت به نقش اجتماعی و زیست محیطی شرکت‌های تجاری در زمینه‌ی متغیر در سرتاسر جهان، افزایشی قابل ملاحظه در تلاش‌ها برای تنظیم رفتار تجارت وجود داشته است. فارغ از اینکه آیا این اتفاق، تحت حمایت ملل متحد، اتحادیه‌های صنعتی یا طرح‌های حکومتی با مشارکت ذی‌نفعان صورت گرفته است. آن تلاش‌ها، به طور کلی بر روی توسعه‌ی استانداردهای حقوق نرم و خود-نظارتی تمرکز کرده‌اند.

راه‌هایی متفاوت برای توضیح این فشار وجود دارد. شگاکان بر این باورند که چنین رویکردهایی نسبت به حقوق نرم، به سادگی ناتوانی دولت‌ها از حکومت کردن بر شرکت‌ها را مخفی می‌کند و برای آن‌ها منافع روابط عمومی خودشان را فراهم می‌کند. سایرین معتقدند که ابزارهای حقوق نرم، کارآمدتر از ایجاد نرم هستند چرا که آن‌ها از بحث‌های مربوط به دکتربین در مورد اینکه آیا شرکت‌های تجاری عملاً موضوع حقوق بین‌الملل هستند یا نه اجتناب می‌کنند و رویه‌های رسمی برای تنظیم کردن معاهدات مدت زیادی طول می‌کشد که بتواند بخش خصوصی را که سریعاً در حال تحول است قاعده‌مند کند. دیگرانی هم هنوز به یک جستجوی درست برای شکل‌های جدیدی از حکمرانی جهانی اشاره دارند که بر پایه یک رویکرد اختیاری و دربرگیرنده برای مقابله با مشکلات جهانی قرار گرفته باشد. کسانی که طرفدار چنین ابتکاراتی هستند صحبت از رویکردهایی با مشارکت ذی‌نفعان می‌کنند، به طور اخص تمایل دارند که وجه تمایز آنچه را که اختیاری است و آنچه را که اجباری است مبهم کنند تا جایی که بتوانند در متبلور کردن و شکل دادن به حقوق سخت مشارکت کنند. هر رویکردی که اتخاذ شود، اکنون مشخص است که مجموعه‌ای از ابزارهای حقوق نرم توسعه خواهد یافت. هر چند که این مجموعه ممکن است گسترده باشد ولی به طور فزاینده‌ای نامعلوم بوده و اغلب به یک مرکز تجاری یا صنعت خاص، اختصاص خواهد داشت.

در سال ۲۰۰۸ در یک حرکت به سمت چارچوب حقوقی جامع برای تنظیم رفتار اقتصادی که ممکن است بر روی حقوق بشر تأثیر بگذارد، ملل متحد یک چارچوب کلی در مورد تجارت و حقوق بشر پایه‌گذاری کرد که سه ذی‌نفع اصلی را مخاطب قرار می‌دهد: حکومت‌ها، تجارت و جامعه‌ی مدنی. جان روگی نماینده‌ی ویژه‌ی دبیرکل ملل متحد در مورد حقوق بشر، شرکت‌های فراملی و سایر بنگاه‌های تجاری، چارچوب «حمایت، احترام و جبران» را گسترش داده که بر رایزنی‌های گسترده با آن سه بخش بنا شده است. این سند، رویکردی نوین برای مقررات در سطح بین‌المللی گشوده است. به دولت‌ها تعهدات حقوقی، به بنگاه‌های تجاری مسئولیت و منفعتشان در مدیریت خطرات نقض حقوق بشر و به جامعه‌ی مدنی مسئولیت برای درک و استفاده از جبران‌های موجود در موارد نقض را یادآوری می‌کند.

چارچوب «حمایت، احترام و جبران» با اتخاذ «اصول راهنمای تجارت و حقوق بشر» با وفاق عام توسط شورای حقوق بشر ملل متحد اتخاذ شد که قصد بر عملیاتی کردن این چارچوب را داشت. در حال حاضر، اصول راهنما یک سند کلیدی مرجع در زمینه‌ی تجارت و حقوق بشر محسوب می‌شود. این اصول شامل توصیه‌های عملی برای هر یک از

ذی‌نفعان می‌شود. مرحله‌ی بعدی عبارت خواهد بود از انضمام و یکپارچگی ذی‌نفعان و درونی کردن این اصول. همان‌طور که ریچل دیویس در مقاله‌ی خود متذکر شده است برخی پیشرفت‌ها از همین الان قابل مشاهده‌اند.

### مقررات شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی:

یک نوع خاص بنگاه تجاری که طبق تعریف، بیشتر در معرض مخاصمه و سایر موقعیت‌های خشونت‌آمیز قرار دارد، شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی است. در پی دوره‌ی اخیر که در آن سربازانِ مزدور به عنوان سربازانِ جویای نام در مخاصمات آفریقا، جنگ‌های بالکان، در عراق و در افغانستان اجیر می‌شوند، ساختاری جدید دیده می‌شود که خدماتی از نوع نظامی و امنیتی را فراهم می‌کند. شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی، در مواجهه با تقاضای رو به رشد، افزایشی در تعداد این شرکت‌ها به وجود آمده است که بازه‌ی خدمات آن‌ها را به طور مثال به امنیتی، لجستیک، نگهداری و اداره کردن تجهیزات نظامی، اطلاعاتی، آموزش پلیس و نیروهای مسلح و فعالیت‌های مربوط به حس و توقیف گسترش داده است. در واقع، می‌شود از صنایع نظامی و امنیتی محقق که به نسبت همیشه، محدودگی گسترده‌تری از خدمات را ارائه می‌دهند صحبت کرد که امروزه به طور فزاینده‌ای در حوزه‌ی امنیت دریایی در واکنش به دزدی دریایی وجود دارند (تحويل باج، گشت دریا، مذاکرات و غیره). این طبیعت چند وجهی و به سرعت متحول شونده‌ی خدمات ارائه شده توسط شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی، چالشی مهم را برای بسط یک چارچوب منسجم حقوقی برای حکومت کردن بر فعالیت‌های آن‌ها قرار می‌دهد.

از لحاظ الزامات قانونی موجود، سند مونترو ۲۰۰۸ که سوییس و کمیته‌ی بین‌المللی صلیب سرخ پیشگامان آن بودند، قوانین قابل اطلاق به فعالیت‌های شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی در مخاصمات مسلحانه را روشن‌تر و شفاف‌تر، بیان و فهرستی از شیوه‌های خوب برای اجرای عملی الزام‌های حقوقی موجود پیشنهاد می‌کند. این سند بر روی تعهدات دولت‌ها شامل تعهدات دولت‌هایی که برای خدمات شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی قرار دارند، دولت‌هایی که در قلمرو آن‌ها این شرکت‌ها ثبت شده‌اند یا به وجود آمده‌اند، و دولت‌هایی که این شرکت‌ها در خاک آن‌ها فعالیت می‌کنند تمرکز دارد.

در سازمان ملل متحد، تلاش‌ها اصولاً بر روی نظارت بر تأثیر فراهم‌آوردندگان نظامی و امنیتی خصوصی بر حقوق بشر و در نظر گرفتن امکان ایجاد یک کنوانسیون بین‌المللی برای قاعده‌مند کردن فعالیت‌های شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی تمرکز دارند.

اخیراً تمایلی به سمت خودگردان شدن در صنعت به وجود آمده است. آخرین نمونه از این نوع رویکرد ابتکاری که خود مثالی از روند مشارکت ذی‌نفعان است، «ضوابط رفتار بین‌المللی در خصوص ارائه دهندگان خدمات خصوصی» (ICoC) است. این ابتکارها برنامه‌ای تسهیل شده توسط دولت سوییس و مرکز دموکراتیک نیروهای مسلح را برای هدایت فراهم‌آوردندگان خدمات امنیتی خصوصی شروع کرده‌اند برای اینکه چگونه در مطابقت با استانداردهای حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بین‌الملل بشر عمل کنند (به ویژه در مورد سؤالات مربوط به استفاده از زور، توقیف، بهره‌کشی جنسی و تجاوز، قاچاق انسان و برده‌داری). «ضوابط رفتار بین‌المللی در خصوص ارائه دهندگان خدمات خصوصی» به سند مونترو اشاره دارد و به شکل مهمی یک مکانیسم نظارت فراهم می‌آورد- شخصیتی منحصر به فرد

برای این ابزار. حال باید دید که این ساز و کار در آینده چگونه عمل خواهد کرد. در حال حاضر، مهم است یادآوری شود که خودگردانی، جانشین مسئولیت دولت‌ها برای تضمین احترام به حقوق بین‌الملل بشردوستانه توسط شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی در طول مخاصمات مسلحانه نبوده و کارکنان و مدیران این شرکت‌ها زمانی که در (مناطق درگیر) مخاصمات مسلحانه کار می‌کنند توسط قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه متعهد باقی می‌مانند.

### تجارت مثل همیشه یا یک تغییر در حکمرانی جهانی؟

در پرتو تمام این پیشرفت‌ها، می‌توان گفت که برخی حرکت‌ها در سطح بین‌المللی از لحاظ دیالوگ بین جامعه‌ی مدنی، تجارت و دولت‌ها در مورد سؤال از مسئولیت‌های بازیگران تجاری تحت حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر صورت گرفته است. هرچند هنوز راه زیادی باقی مانده است که باید طی شود. اگرچه اصول راهنما توسط شورای حقوق بشر ملل متحد به واسطه‌ی وفاق عام اتخاذ شده بود و از یک مشروعیت بی‌سابقه در سطح بین‌المللی برخوردار شد بسیاری از بنگاه‌های تجاری حتی از وجود آن‌ها مطلع نشده‌اند. آن‌ها حتی در مورد راه‌های اجرای اصول در فعالیت‌های خودشان کمتر اطلاع دارند.

به علاوه، این واقعیت که بسیاری از ابتکارات امروز حقوق نرم تمایل دارند که بر روی رفتار شرکت‌ها تمرکز کنند نباید مسئولیت خود دولت‌ها را تحت حقوق بین‌الملل تاریک و مبهم نمایند. در نتیجه امروزه انتظار می‌رود که حکومت‌ها بطور فزاینده‌ای فعالانه در مورد این موضوع فکر کنند که چه گام‌های محکمی به منظور جلوگیری و تخفیف نقض‌های حقوق بشر مربوط به شرکت‌ها می‌توانند بردارند.

با نگاه به جلو، شاید نیازی وجود داشته باشد برای منعکس کردن محتاطانه‌تر جبران‌های در دسترس و قابل استفاده برای آن‌هایی که متحمل آسیب‌هایی از نقض‌های حقوق بشر یا حقوق بشردوستانه می‌شوند. چه نوعی از مکانیسم‌های طرح شکایت باید، یا می‌تواند، برای جبران یا اصلاح خساراتی که به جوامع آسیب‌پذیر به عنوان نتیجه‌ی فعالیت‌های تجارت وارد شده است، به وجود آید؟ آیا مکانیسم‌های غیر قضایی می‌توانند طوری کار کنند که به گونه‌ای مؤثر، دغدغه‌های جامعه را در آینده نشان بدهند؟ یا این ریسک وجود دارد که مکانیسم‌هایی از این دست به گونه‌ای ناهماهنگ به کار برده شوند، به اندازه کافی مستقل نباشند، یا قادر نباشند که به یک جبران کارآمد رهنمون شوند؟ آیا بایستی در آینده، فشار به سمت جبران‌های غیر قضایی باشد، یا به سمت مقررات دولتی بهتر و دسترسی به عدالت از طریق دادگاه‌های ملی؟ این‌ها پرسش‌های مفتوح، باقی می‌مانند ولی به نظر می‌رسد که هدف ابتکارات جهت تضمین احترام بهتر برای حقوق بشر توسط بخش خصوصی تنها زمانی می‌تواند معنای عملی داشته باشد که شامل مکانیسم‌های پاسخگویی مؤثر و مراجعه به قربانیان بشود.

### نقش جامعه مدنی:

جامعه مدنی بین‌المللی هم چنین نقشی در نظارت بر فعالیت بخش خصوصی، آگاه کردن مدیران شرکت‌ها از مسئولیت‌هایشان، و فراهم کردن توصیه برای جوامع تحت تأثیر یا قربانیان نقض دارد. بنابراین برای مثال، سازمان

مردم نهاد مرکز منابع تجارت و حقوق بشر (NGO) یک درگاه پاسخگویی حقوقی شرکت دارد، یک «مرکز اطلاعات آنلاین که منابعی را برای غیر وکیل‌ها و نیز برای وکیل‌ها فراهم می‌آورد- شامل قربانیان، مدافعان، سازمان‌های مردم نهاد، بازرگانان، وکلایی که علیه شرکت‌ها طرح دعوا می‌کنند و وکلایی که از شرکت‌ها دفاع می‌کنند. هم چنین، بنیاد حقوق بشر و تجارت برای تبدیل شدن به یک «مرکز برتر خبره در مورد رابطه بین تجارت و استانداردهای حقوق بشر اعلام شده بین المللی» تلاش جدی می‌کند. اخیراً، شیفت، یک مرکز غیرانتفاعی مستقل برای تجارت و حقوق بشر توسط متخصصانی برپا کرد که در ایجاد اصول راهنمای تجارت و حقوق بشر برای فراهم کردن کمک عملی به حکومت‌ها، بنگاه‌های بازرگانی، و شرکای آن‌ها در اجرای این اصول مشارکت داشتند. امروزه سازمان‌های مردم نهاد محلی، کشورها، و مناطقی که بطور مستقیم تحت تأثیر قرار گرفته‌اند در اصل رویکردهایی مبتکرانه برای اجرای این اصول راهنما هستند. پس در سطح بین المللی حرکت به سمت اجرای کامل چارچوبی مانند اصول راهنما، تطبیق بین هیات‌های برقرار کننده استانداردهای جهانی را لازم خواهد داشت (ملل متحد، سازمان‌های بین‌الدولی و منطقه‌ای) و یک تلاش برای تقویت ظرفیتی که سه گروه مذکور از ذینفعان را هدف قرار داده است: حکومت‌ها، بنگاه‌های تجارت و جامعه مدنی.

### بنگاه‌های تجارت و سازمان‌های بشردوستانه: دیالوگی غیرقابل اجتناب

امروز بنگاه‌های تجارت آگاهی بیشتری از مسئولیت‌های اجتماعی خود دارند. شاید اینطور باشد که آن‌ها احساس کنند از طرف مشتریان‌شان زیر فشار قرار گرفته‌اند. کسانی که بطور فزاینده‌ای مانند شهروندان یک جهان مستقل تر فکر می‌کنند؛ شاید هم بطور حساسی از منافع سهامداران خود و از ارزش کاملاً شهرت مدارانه هر نوع عمل به اصطلاح خطایی آگاه‌اند. جهانی شدن ارتباطات از طریق رسانه‌ها یا شبکه‌های اجتماعی هم مؤیدی بر گفته داستایوفسکی است: «هرکس مسئول همه برای همه چیز است.»

با وجود این، درحالی‌که اقتصاد همواره یکی از دغدغه‌های اصلی بازیگران توسعه بوده سازمان‌های بشردوستانه تنها نسبتاً اخیراً نقش بازیگران تجارت را مدنظر قرار داده‌اند، که اغلب با حمایت کمی همراه است. توسعه ساز و کارهای خودگردانی در بخش خصوصی و آگاهی سازمان‌های بشردوستانه از تأثیر رو به رشدشان، تشدید ارتباطات و همکاری‌ها را مطرح می‌کند. فعالان بشردوست و فعالان تجارت که در عرصه بحران فعالیت می‌کنند دلایل بیشتری برای ارتباط داشتن با همدیگر دارند چرا که اغلب طرف‌های گفتگوی مشابه دارند مانند نیروهای مسلح و امنیتی، گروه‌های مسلح، دسته‌های جنایتکار و جوامع تهدید شده.

در حالی که بنگاه‌های تجاری برای به دست آوردن منفعت آماده می‌شوند و از آن‌ها خواسته نشده که فعالیت‌های بشردوستانه انجام دهند، مکانیسم‌های همکاری مذکور باید طبق مکمل بودن دو بخش خصوصی و عمومی دیده شوند. هر جا که سازمان‌های بشردوستانه نیازی را ابراز کنند که این سازمان‌ها برای شناسایی و ارزیابی آن بطور بهتری قرار گرفته‌اند بخش خصوصی می‌تواند مداخله کند. حوزه‌های متعددی از دیالوگ می‌تواند پیگیری شود: می‌شود در مورد

آنالیزهای مشترکِ تاثیراتِ فعالیت‌های بنگاه‌های تجاری بر جوامع فکر کرد، تبادل اطلاعات غیرمحرمانه در مورد ریسک‌های اقتصادی یا امنیتی، انتقال مهارت‌ها یا آمادها و ابزارهای ارتباط و غیره.

مثال‌های رسانه‌های جدید و صنایع ارتباط از راه دور نمونه‌ای از مشارکت بشردوستانه فراهم می‌کند که می‌تواند توسط بخش خصوصی در مواقع بحران ایجاد شده و واجد ارزش تقویت همکاری باشد. برای مثال، در خشونت‌های جنوب قرقیزستان در ژوئن ۲۰۱۰، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ مجبور بود که با مشکلات دسترسی به منطقه مخصصه، دست و پنجه نرم کرده و به شرکت‌های ملی ارتباطات از راه دور رو بیاورد تا به مشترکین خود پیام‌های رایگانی بفرستند که احترام به مأموریت بشردوستانه از آن‌ها درخواست می‌شد.

در حالی که این قبیل همکاری‌های نزدیک در مواقع بحران وجود دارد، به وضوح ایجاد هماهنگی بیشتر و مکانیسم‌های آماده‌سازی، مطلوب خواهد بود. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در تاریخ ۱۵۰ ساله خود به نسبت، روابط اندکی با بخش خصوصی داشته است. در همین اواخر بود که سازمان طی یک پیشنهاد استراتژیک برای درگیر کردن بخش خصوصی را گسترش داد تا ظرفیت خود برای فراهم آوردن کمک و حمایت از قربانیان مخصصه را تقویت کند.

نقطه شروع استراتژی این اصل است که تجارت می‌تواند نیرویی با جهت مثبت باشد - متضمن موقعیت‌هایی از مخصصات مسلحانه یا زمینه‌های خشونت‌آمیز - به شرطی که بنگاه‌های تجاری بزرگ‌ترین سعی و تلاش را در اجرای فعالیت‌های خود نشان دهند. نتیجتاً، هدف اولیه این استراتژی کمک به بنگاه‌های تجاری است تا حقوق خود را بشناسند و تعهدات خود تحت حقوق بین‌الملل بشردوستانه را محقق کنند. برای این منظور، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ برای برقراری روابط و ایجاد یک دیالوگ با شرکت‌هایی که احتمالاً تأثیر مستقیم یا غیر مستقیم بر سرنوشت قربانیان مخصصات مسلحانه و یا موقعیت‌های خشونت‌آمیز دارند تلاش می‌کند.

به عنوان یک بخش از رویکردهای نو در زمینه مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، آن‌ها باید به کمیته بین‌المللی صلیب سرخ مراجعه کنند تا حمایت خود از اقدامات بشردوستانه را پیشنهاد دهند. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز با بنگاه‌های تجاری متعددی به منظور تقویت ظرفیت خود برای اقدام در این زمینه به عنوان نتیجه مبادلات تجربه و تخصص ارتباط برقرار کرده است. در سال ۲۰۰۵، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و گروهی از شرکت‌های تجاری شرکت گروه پشتیبانی را تأسیس کرد، که بنگاه‌ها را دور هم جمع می‌کرد تا برای حمایت از مأموریت بشردوستانه کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تصمیم بگیرند. هم‌چنین کمیته بین‌المللی صلیب سرخ خود را مجهز به دستورالعمل‌هایی برای مشخص کردن چارچوب مشارکت با بخش خصوصی کرده است.

\*\*\*

این شماره از مجله به گونه‌ای تنظیم شده است که اول و بیشتر از همه برای اعضای بخش خصوصی عملی و مفید باشد، کسانی که می‌توانند در پی ارتقای درک خود از مخصصات مسلحانه یا سایر موقعیت‌های خشونت‌آمیز و تحقق تعهدات خود در این قبیل موقعیت‌ها باشند. هم‌چنین مجله علاقمند است تا درک نقش و تعهدات بخش خصوصی در



میان سازمان‌های بشردوستانه را در این زمینه و تصمیم‌گیرندگان سیاسی مسئول توسعه قوانین قابل اجرا را تقویت کند.

دیدگاه‌هایی که در این شماره گردآوری شده‌اند متعلق به محققان و وکلا در زمینه‌های متفاوت است: دانشگاهیان، مشاوران متخصص تجارت در بخش خصوصی، و اعضای سازمان‌های مردم‌نهاد بین‌المللی و سازمان‌های ملل متحد. از این گذشته مجله می‌خواست که نظر پروفیسور جان روگی نماینده ویژه دبیرکل ملل متحد را درخواست کند که روند منتهی به چارچوب حمایت، احترام و جبران و اصول راهنما را هدایت کرده است - متونی که اساس بسیاری از بحث‌های جاری و رویه‌های جدید در این حوزه هستند.

«جهان کشور من است». اکنون این نگاه بازتاب خواست بنگاه‌های تجارت است که در میان مرزهای ملی، ساختارهای سنتی، و ذهنیت‌ها کار می‌کنند تا از جهانی شدن مبادلات منتفع شوند. این نگاه در قلب کار بشردوستانه نیز هست که کرامت هر فرد انسانی را فارغ از پیش زمینه، نظرات و عقاید او به رسمیت می‌شناسد. جهانی شدن مبادلات یک واقعیت در زندگی است اما تنها در صورتی تکامل می‌باید که مسئول و پاسخگو باشد.

وینسنت برنارد

سردبیر